

# صبح ایران

## ۶۰ سال زندگی در سرزمین مادری

مهرداد ضیایی، مجموعه نمایشی روی آنتن شبکه ۳ را روایتگر بی‌طرف ۶۰ سال از تاریخ ایران می‌داند

صفحه ۶

### روایت عاشورایی از غزه مصداق کنشگری شیعه

حاج محسن طاهری معتقد است شهادت اسماعیل هنیه، بیمه‌گر استمرار مقاومت است



### یک رقابت پرهیجان در قواره بین‌المللی

فصل دوم برنامه قهرمان با استانداردهای خاص خود هیجان یک رقابت کامل را روی آنتن برده است



### هزینه‌های نجومی، فیلمساز را به کمدی‌سازی می‌کشاند

شیوع کمدی‌سازی در میان کارگردانان جوان و توفیق این‌گونه سینمایی در گیشه را با حمید بهرامیان بررسی کرده‌ایم



#### نگاه

#### موکب‌های عزاداری در راهپیمایی اربعین

یکی از دغدغه‌های زائران اربعین، بهره‌مندی از مجالس عزاداری در شهرهای زیارتی است و هرساله به دنبال نشانی آنها هستند. در این گزارش نشانی ۴۲ موکب در شهرهای نجف، کربلا و مشایه ارائه شده است. به گفته علی اکبر مداحی، مسئول کمیته مراسم ستاد اربعین امسال این کمیته از حدود ۴۰ موکب برای برپایی مراسم عزاداری حمایت می‌کند. مجالس عزاداری این موکب‌ها در شهرهای نجف، کربلا و مشایه نجف تا کربلا با حضور مداحان و سخنرانان سرشناس دهه دوم ماه صفر یعنی دهم تا بیستم این ماه در سه نوبت صبح، ظهر و شب بعد از اقامه نمازهای جماعت با حضور بیش از ۵۰ مداح و سخنران شاخص برگزار می‌شود.

#### موکب‌های ۹ گانه در نجف

- موکب فاطمه الزهرا (س)، بین پله برقی و شارع شیخ طوس، پارکینگ طبقاتی
- موکب جامعه‌الحسین خراسان رضوی، مقبره صافی صفا
- موکب علویون مازندران، پل ثورالعشرین، اول جاده کوفه، حسینه عبدالرسول
- موکب حضرت ولیعصر (ع) لنگرود، شارع بنات الحسن، جنب کنسولگری ایران
- موکب رایه الزهرا، نزد، بین مسجد سهله و صعصعه
- موکب امام رضا (ع) بزد، ابتدای خیابان بنات الحسن
- موکب امام منصور، مقابل مسجد سهله
- موکب انصارالامام البرز، مسجد خنانه
- موکب فاطمه الزهرا (س) بلوار حیدرکرار، روبه‌روی دیوار شرقی وادی السلام

#### ۱۲ موکب در مسیر کربلا

- موکب اصناف کشور، عمود ۱
- موکب امام رضا (ع) عمود ۲۸۵
- موکب علی ابن موسی الرضا (ع) بسج شهرداری تهران، عمود ۷۰۷
- موکب بهروان شهدای گلستان، عمود ۷۳۹
- موکب شهدای گمنام، عمود ۷۵۳
- گذر پیر غلامان آستان حسینی، عمود ۸۰۹
- موکب صاحب الزمان (عج)، عمود ۸۲۸
- موکب شهدا (حسینا)، عمود ۹۰۹
- موکب البرز، عمود ۹۹۱
- موکب خدام الحسین (ع)، عمود ۱۱۲۰
- موکب قرآنی بانوان فاطمی، عمود ۱۲۲۲
- موکب شهدای برخوار، عمود ۱۳۹۰

#### موکب‌های کربلا

- موکب مرکزی احباب الرضا (ع) خیمه‌گاه حسینی
- موکب محیان امیرالمومنین (ع)، جنب کنسولگری سابق ایران
- موکب عاشقان تارا... سمنان، پشت هتل الماس شارع احمد زینی
- موکب علی ابن باقر (ع) کاشان، باب‌الرب الشریف، شارع الشهداء
- موکب فاطمه الزهرا (س) اباپل، ورزشگاه المپیک
- موکب حسینیه قمی‌ها، باب‌القبلة شارع جمهوری
- موکب محسنین گیلان، شارع قزوینیه
- موکب خدام العباس، میدان ترویه، روبه‌روی شارع محمدامین
- موکب احمدابن موسی (ع)، شارع روضتین، جنب فندق البیارق



متن کامل

#### زاویه دید

#### روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

## تز اسلام منهای روحانیت و ترور و روشنفکرانه



در حالی که شبه روشنفکران بعد از انقلاب نیز مانند اسلاف ۱۸۰-۱۷۰ سال قبل خود، همچنان بر طبل جدایی دین از سیاست و اسلام منهای روحانیت می‌کوبیدند، برخی از آنها اساس این دو شعار را جلوگیری از گرایش به

خشونت در دین قلمداد کردند؛ مثلاً مصطفی ملکیان یکی از همین دسته شبه‌روشنفکران به اصطلاح اصلاح طلب در گفت‌وگویی با روزنامه خرداد که در ۲ مرداد ۷۸ به چاپ رسید، گفت: «...اعتراف باید کرد که فقه متعارف در حوزه‌های علمیه ما دستاویز و مستمسک خوبی برای کسانی است که در مقام ترویج خشونت و مشروعیت‌بخشی به آنند... مروجان خشونت از فقه متعارف در حوزه‌های علمیه هزینه می‌کنند، بنابراین برای نقد خشونت نیز لازم است از مباحث دین و فلسفه فقه، بهره‌برداری لازم انجام شود...»

این درحالی‌است که درست برعکس آنچه این گروه از شبه‌روشنفکران نشر می‌دادند، عمل به شعار «اسلام منهای روحانیت» و فاصله گرفتن برخی گروه‌ها از روحانیت مسئول، آنها را به سوی خشونت‌های افسار گسیخته و ضد بشری سوق داد.

یکی از این مظاهر خشونت در گروه‌کی به نام فرقان نمود یافت که گرچه در ظاهر گروه‌کی کوچک و ابتر می‌نمایاند اما در واقع نماینده تفکر و اندیشه‌ای بود که ریشه در عمق تاریخ شبه روشنفکری معاصر داشت و پس از فروپاشی گروه‌ک مزبور نیز همچنان تداوم یافت. اندیشه فرقانی در مسیر دستیابی به اهداف خویش همواره با ادعای بازسازی اندیشه دینی و تجدیدگرایی مذهبی برای کاستن از وجاهت روحانیت مذهبی، به تلقین ناکارآمدی روش فقها در تبیین دینی پرداخت و در سبیز با اسلام فقهاتی و اجتهاد در اصول، تلاش بی‌وقفه داشت. بر این اساس می‌توان فرقانی‌گری را نیمه ناپیدای شبه روشنفکری ایرانی به ویژه در دوران پس از مشروطه به حساب آورد.

هنگامی که اکبر گودرزی، سرکرده گروه موسوم به فرقان در سوم خرداد ۱۳۵۹ به جوخه اعدام سپرده شد، بسیاری بر این باور بودند که پرورنده فرقان‌اندیشی در نظام نوپای اسلامی بسته خواهد شد، لیک از آن رو که بانیان و حامیان در سایه این گروه دریافتند بودند بهترین راه مقابله با نظام، پوشاندن پوستین وارونه بر قامت دین است، رقم‌زدن اندیشه‌های فرقانی را وجهه

همت خویش ساختند و از این روی، فرقانی‌گری، نه به عنوان جریانی که کارنامه آن به تاریخ سپرده شد، بلکه به عنوان یک پندار و کردار جاری در تاریخ سه دهه پس از پیروزی انقلاب، خودنمایی کرد.

دکتر موسی حقانی، پژوهشگر و مورخ معاصر بر این باور است که فرقان‌اندیشی پیشینه‌ای به درازای تاریخ دارد و عجیب آن‌که در هر مسلکی از آن نشان می‌توان یافت. مأموریت تاریخی این جریان، پوشاندن لباسی به رنگ دین بر اندیشه‌های مسلط در هر زمان، یا سخنان روز پسند است؛ از این رو همواره واسطه‌ای بین دینداری و الحاد بوده‌اند.

حقانی اعتقاد دارد در سال‌های صدر اسلام و به‌ویژه قرن اول، این جماعت عملاً به دکان داری در برابر بسط و نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام) پرداختند. آنان آلت فعل دولت‌ها یا جریانات بی‌اعتقاد به دین و حتی معاند با آن بودند، از این رو اندیشه فرقانی در طول نشو و نمای خویش عده پرشماری را به اردوگاه الحاد گسیل داشت.

در روزگار ما، اما کار این جماعت در قالبی نوین، با مشروطه آغاز شد و گسترش یافت، روزگاری که های و هوی مبارزه با استبداد موجب تداوم آن در شکلی نوین شد، حضور شبه روشنفکرانی همچون حیدر عموغلی در صدر تفکر مشروطه خواهی انگلیسی و تشکیل گروه‌های تروریستی توسط وی برای ارباب مردم، بر سر

دار بردن شیخ فضل‌ا... نوری و ترور سید عبا... بهبهانی و بعد تشکیل گروه‌های تروریستی مانند کمیته مجازات و حمایت مادی و معنوی از آن برای به هرج و مرج کشیدن جامعه جهت روی کار آوردن دیکتاتوری به اصطلاح منور از جمله کارنامه سیاه تفکر فرقانی در سال‌های پیش و پس از مشروطه است که این خشن‌ترین فجایع تاریخ معاصر دست یازیدند. آنان از مشروطه تاکنون از پیشگامان ترور شخصیت و سپس ترور فیزیکی متفکران و مبارزان دینی و ملی بوده‌اند. بسیاری از تحلیلگران در تبیین منش فرقانیان، آنان را با خوارچ مقایسه کرده‌اند. این قیاس که از جنبه‌ای چندان هم دور از واقع نیست، نشان می‌دهد که روشنفکری با خوارچ‌گونه‌گی فاصله‌ای نزدیک دارد.

پافشاری بر فرآورده‌ها و در مواردی پس‌مانده‌های فرهنگی فرنگ، بارها آنان را به ورطه تعصبات کور و خشونت‌های کلامی و عملی سوق داده و از سوی دیگر خروجی و بازده تمامی این خشونت‌ها در سید دولت‌های استعماری خارجی قرار گرفته است. این مهم شهادی روشن بر همگرایی و هم‌پیمانی خواسته و ناخواسته این جریان با آنهاست. روشنفکر این مرز و بوم از آن رو که غالباً در پی تخریب هویت بومی و مذهبی مردم بوده است، همواره حساسیت دینداران و به‌ویژه

متولیان دین را برانگیخته و در مقام پاسخگویی، جز حذف و گلوله در چننه نداشته است.

از مشروطه به این سو، از ترور شیخ فضل‌ا... نوری توسط کریم دواتگر گرفته تا اعدام او به دست متظهاران به مشروطه خواهی و نیز ترور سید عبا... بهبهانی و مرگ مشکوک آخوند خراسانی و قتل سید حسن مدرس، ترور گسترده شخصیت آیت‌ا... کاشانی، توطئه ۲۸ مرداد، اعدام فداییان اسلام، سرکوب گسترده قیام ۱۵ خرداد و تبعید امام خمینی، فعالیت مداوم ماشین دستگیری، شکنجه و اعدام مبارزان در طول ۱۵ سال مبارزات ملت ایران از ۱۵ خرداد تا پیروزی انقلاب و بعد از آن دمیدن در کوره تجزیه طلبی و سهم خواهی گروه‌های جدایی طلب، ترور گسترده تئوری پردازان نظام اسلامی، مواضع همگرایانه برخی از آنان با دشمن متجاوز یعنی در طول هشت سال جنگ تحمیلی، تلاش گسترده در جهت اشاعه اندیشه‌های لیبرالیستی در دوران پس از جنگ با استفاده از امکانات دولتی، ایفای نقش پررنگ در پیدایش دولت موسوم به اصلاحات و تحمیل هزینه‌های گسترده فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر ملت در این دوره تا برنامه ریزی گسترده برای براندازی نظام اسلامی در قالب حاکمیت دوگانه و بالاخره در توطئه براندازانه و خشونت‌بار فتنه پس از انتخابات ۱۳۸۸ که با یاری مستقیم سرویس‌های جاسوسی آمریکا، انگلیس و اسرائیل صورت گرفت همه و همه از جمله رفتارهای خشونت‌باری بوده که یا برخی از روشنفکران بانی و حامی آن بوده‌اند یا از سوی دولت‌های استعمارگری رهبری شده‌اند که همواره محبوب و کعبه آمل این جماعت محسوب شده‌اند. آنچه گفته شد تنها بخشی کوچکی بود از تاریخچه مفصل فرقانی‌گری در طول تاریخ ایران و جای بحث فراوان دارد که چگونه منادیان تسامح و تحمل و مدارا، هم به بارزترین خشونت‌ها در تاریخ معاصر دست یازیدند و هم پایه‌گذار و محرک خشونت بودند.

حضرت امام خمینی (رحمه... علیه) در بیناتی که در دوم خرداد ۱۳۵۸ ایراد کردند، در مورد روحانیت فرمودند: «... آخوند یعنی اسلام، روحانین با اسلام درهم مُدغمند. آن‌که به روحانین به طور کلی، نه با یک آخوند، نه با من، هرکس به من هر چه بگویند مانعی ندارد آن‌که با عنوان روحانی و آخوند مخالف است، این دشمن شماس است. این آزادی را برای شما ممکن است تأمین کند، استقلال را هم برای شما ممکن است تأمین کند، اما استقلالی که تو [ای آن امام زمان نیست، آزادی که تو ای] آن قرآن نیست، آزادی که در آن پیغمبر اسلام نیست، ملت ما این را می‌خواهد؟ خوش راداد برای این؟ برای آزادی داد؟ برای خدا داد. ملت ما تابع حضرت سیدالشهدا شد. او خوشن را برای کی داد؟ حکومت می‌خواست؟ استقلال می‌خواست؟ آزادی می‌خواست؟ او خدا را می‌خواست، او اسلام را می‌خواست، او می‌خواست که اسلام در خارج تحقق پیدا بکند، روحانی اسلام را می‌خواهد، روحانی اسلام در پناه اسلام را می‌خواهد و آزادی در پناه اسلام را می‌خواهد...»